

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

نهادها و سازوکارهای منطقه‌ای

حمایت از حقوق بشر

تدوین و ترجمه:

دکتر سیدقاسم زمانی

دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی

دکتر پوریا عسکری

استادیار دانشگاه علامه طباطبایی

دکتر امیر ساعد وکیل

مدرس حقوق بین‌الملل



مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی

تهران - ۱۳۹۴

عنوان و نام پدیدآور	: نهادها و سازوکارهای منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر / تألیف فیلیپ لیچ... [و دیگران]: ترجمه قاسم زمانی، امیرساعت وکیل، پوریا عسکری.
مشخصات نشر	: تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهردانش، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۳۵۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۴۰-۱۵-۶
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان به انگلیسی: Regional institutions and mechanisms for protection of human rights
یادداشت	: تألیف فیلیپ لیچ، دیوید هرپس، استفن لیونگستون، یواوچی یوموزوریخ، بی‌تر وان درمی.
موضوع	: حقوق بشر
موضوع	: حقوق بشر - همکاری‌های بین‌المللی.
شناسه افزوده	: لیچ، فیلیپ
شناسه افزوده	: Leach, Philip
شناسه افزوده	: زمانی، قاسم، ۱۳۴۶ - ، مترجم.
شناسه افزوده	: وکیل، امیرساعت ، مترجم.
شناسه افزوده	: عسکری، پوریا ، مترجم.
شناسه افزوده	: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهردانش.
رده‌بندی کنگره	: JC۵۷۱/ن۹۴ ۱۳۸۶
رده‌بندی دیویی	: ۳۴۱/۴۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۱۱۶۱۶۳

با مراجعه به فروشگاه اینترنتی شهردانش از مزایای خرید آنلاین و تخفیف ویژه برخوردار شوید

www.shahredanesh.com

عنوان	: نهادها و سازوکارهای منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر
تدوین و ترجمه	: دکتر سیدقاسم زمانی - دکتر پوریا عسکری - دکتر امیرساعت وکیل
ناشر	: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهردانش
نوبت و تاریخ چاپ	: دوم، ۱۳۹۴
شمارگان	: ۱۰۰۰ نسخه
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۴۰-۱۵-۶
قیمت (با جلد سخت)	: ۲۶,۰۰۰ تومان
	: حق چاپ محفوظ است.

تهران - خیابان کریم‌خان‌زند - خیابان سنایی - خیابان نهم - خیابان گیلان - پلاک ۵ - کدپستی ۱۵۸۵۷۴۳۱۱۱

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۴۵۳۹ تلفن: ۸۸۸۱۱۵۸۱ نمابر: ۸۸۸۱۱۵۸۰

Email: publication@sdil.ac.ir Website: www.sdil.ac.ir

سخن ناشر

هنگامی که بیش از چهارده قرن پیش در عهد جاهلیت و در فضایی که آکنده از ظلم و خرافه‌پرستی بود و زنده به‌گور کردن دختران سنتی دیرپا قلمداد می‌شد، ندای کرامت تمام فرزندان آدم در فضای شبه جزیره عربستان طنین‌انداز شد (و لقد کرّمنا بنی آدم)، به سختی می‌شد تصور کرد که انکار انسانیت شمار زیادی از افراد بشر تا قرن‌ها بعد نیز به انحای گوناگون و در مناطق مختلف عالم ادامه یابد. حقوق اساسی نوع بشر که با موجودیت وی عجین شده، و آن دسته از حقوق و امتیازاتی که باید بستر مناسبی برای اجرای آنها فراهم آیند سخت نیازمند تضمین و حمایتند. در بسیط خاک که واحدهای سیاسی برخوردار از حاکمیت با مرزهایی سیاسی از هم تفکیک شده‌اند نمی‌توان این موانع تصنعی را عامل جدایی انسانها از یکدیگر به شمار آورد و نباید در چهاردیواری حاکمیت (کشور)، فرد و دولت را به حال خویش گذاشت و دل در گرو آن سپرد که نهادهای قضائی ملی از استقلال و اقتدار لازم در حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی شهروندان برخوردارند.

اکنون وجود مکانیسم‌های حمایتی فراملی در حوزه حقوق بشر به عنوان یک ضرورت اساسی مطرح شده است، مکانیسم‌هایی که می‌توانند در حمایت از حقوق اساسی بنی‌آدم کارکردهای پیشگیرانه و جبرانی ایفا نمایند.

کتاب «نهادهای سازوکارهای منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر» که توسط آقایان دکتر سیدقاسم زمانی، دکتر امیرساعد وکیل و دکتر پوریا عسکری تدوین و ترجمه شده است از یک سو تلاش کرده است که فقر منابع درسی دانشگاهی در این حوزه را تا حدی برطرف نماید و از سوی دیگر نشان دهد که منطقه‌گرایی در حمایت از حقوق بشر

منافاتی با جهانشمولی آن ندارد. مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهردانش امیدوار است بتواند با چاپ و انتشار این گونه آثار، زمینه مناسبی برای تعاطی افکار و اندیشه‌ها فراهم آورد و در توسعه ادبیات حقوقی و دانشگاهی در این حوزه سهمیم باشد.

وحید اشتیاق

فهرست مطالب

مقدمه	۱۳
بخش یکم - نظام اروپایی حمایت از حقوق بشر	۲۳
فصل یکم - شورای اروپا و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر	۲۵
گفتار یکم - شورای اروپا: ریشه‌ها و ارکان اصلی	۲۵
مبحث یکم - دبیرکل شورای اروپا	۲۹
مبحث دوم - کمیسر حقوق بشر	۲۹
مبحث سوم - بخش همکاری و اطلاع‌رسانی حقوق بشر	۳۰
گفتار دوم - کنوانسیون اروپایی حقوق بشر	۳۰
مبحث یکم - پروتکل شماره ۱۱	۳۳
مبحث دوم - پروتکل شماره ۱۴	۳۴
مبحث سوم - قلمرو اجرای سرزمینی	۳۷
مبحث چهارم - مستثنا کردن سایر روشهای حل و فصل اختلافات	۳۷
مبحث پنجم - فسخ کنوانسیون	۳۸
مبحث ششم - تحقیقات دبیرکل	۳۸
گفتار سوم - دیوان اروپایی حقوق بشر	۳۹
مبحث یکم - نظریه‌های مشورتی	۴۲
مبحث دوم - دادخواستهای فردی	۴۳
مبحث سوم - دعاوی بین کشورها	۴۳
فصل دوم - رویه و آئین دیوان اروپایی حقوق بشر: قبل از مرحله قابلیت پذیرش	۴۷
گفتار یکم - طرح دادخواست در دیوان	۴۷
مبحث یکم - آئین‌نامه و دستورالعمل‌های دیوان	۴۹
مبحث دوم - زبانها	۴۹

۵۰	مبحث سوم - نمایندگی
۵۱	گفتار دوم - هزینه‌ها، معاضدت حقوقی و حق‌الزحمه‌ها
۵۱	مبحث یکم - هزینه‌های دولت خوانده
۵۱	مبحث دوم - هزینه‌های خواهان
۵۲	مبحث سوم - هزینه‌های دادگاه
۵۲	مبحث چهارم - معاضدت حقوقی
۵۲	گفتار سوم - دریافت کمک
۵۲	گفتار چهارم - مفتوح کردن پرونده یک قضیه
۵۳	مبحث یکم - محدودیت‌های زمانی
۵۳	مبحث دوم - اختیار مشاوره
۵۳	مبحث سوم - دفتر ثبت دیوان
۵۴	مبحث چهارم - تکمیل فرم دادخواست
۵۵	مبحث پنجم - استراتژی
۵۵	مبحث ششم - اسناد و مدارک استنادی
۵۶	مبحث هفتم - محرمانه بودن
۵۶	مبحث هشتم - معاضدت حقوقی
۵۷	مبحث نهم - به جریان افتادن پرونده
۵۷	مبحث دهم - تدابیر فوری: اقدامات تأمینی
۶۰	مبحث یازدهم - تسریع در رسیدگی به پرونده‌ها
۶۰	مبحث دوازدهم - تجمیع پرونده‌ها
۶۱	مبحث سیزدهم - دسترسی عمومی به مدارک
۶۱	مبحث چهاردهم - مصونیت خواهانها و نمایندگان آنها
۶۲	مبحث پانزدهم - منع قضات از رسیدگی
۶۲	گفتار پنجم - آئین مربوط به قابلیت پذیرش دعوا
۶۲	مبحث یکم - قاضی گزارشگر
۶۳	مبحث دوم - قابلیت پذیرش به تصمیم یک کمیته
۶۳	مبحث سوم - قابلیت پذیرش به تصمیم شعبه
۶۴	مبحث چهارم - مکاتبات یک پرونده
۶۴	مبحث پنجم - معاضدت حقوقی
۶۵	مبحث ششم - لوایح دولت خوانده و لوایح متقابل خواهان
۶۵	مبحث هفتم - استماع دفاعیات مربوط به قابلیت پذیرش دادخواست
۶۵	مبحث هشتم - تصمیمات شعبه در مورد قابل پذیرش بودن دعوا
۶۶	مبحث نهم - رسیدگی توأمان به قابلیت پذیرش و ماهیت دعوا

مبحث دهم - ارجاع پرونده به شعبه عالی ۶۶
 گفتار ششم - ورود ثالث ۶۷

فصل سوم - رویه و آئین دیوان اروپایی: پس از مرحله قابلیت پذیرش ۶۹

گفتار یکم - احراز حقایق ۶۹
 مبحث یکم - استماع برای حقیقت‌یابی و تحقیقات محلی ۷۱
 مبحث دوم - استماع برای حقیقت‌یابی: آئین رسیدگی ۷۱
 گفتار دوم - حل و فصل دوستانه ۷۲
 گفتار سوم - رد دعوا ۷۳
 مبحث یکم - عدم پیگیری دادخواست (شق الف بند یک ماده ۳۷) ۷۳
 مبحث دوم - حل موضوع (شق ب بند یک ماده ۳۷) ۷۴
 مبحث سوم - عدم توجیه ادامه بررسی دعوا (شق ج بند یک ماده ۳۷) ۷۴
 گفتار چهارم - اظهارات نهایی پس از مرحله قابلیت پذیرش دعوا ۷۵
 گفتار پنجم - استماع اظهارات شفاهی ۷۶

فصل چهارم - معیارها و ضوابط پذیرش دادخواست ۷۹

گفتار یکم - مقدمه ۷۹
 گفتار دوم - سمت و موقعیت: چه کسی می‌تواند نزد دیوان اقامه دعوا کند؟ ۸۱
 گفتار سوم - چه کسی می‌تواند ادعای قربانی بودن بنماید؟ ۸۶
 مبحث یکم - قربانیان بالقوه ۸۸
 مبحث دوم - قربانیان غیرمستقیم ۸۹
 مبحث سوم - فقدان خسارت ۹۰
 مبحث چهارم - زائل شدن عنوان «قربانی» ۹۰
 مبحث پنجم - مواقعی که مباحث مربوط به غیرقابل پذیرش بودن دادخواست مطرح می‌شود
 و در مورد آن اتخاذ تصمیم می‌گردد. ۹۱
 گفتار چهارم - توسل مقدماتی به مراجع داخلی ۹۲
 مقدمه ۹۲
 مبحث یکم - بار اثبات ۹۳
 مبحث دوم - متابعت از قواعد شکلی داخلی ۹۴
 مبحث سوم - انعطاف‌پذیری قاعده ۹۴
 مبحث چهارم - در دسترس بودن، مؤثر بودن و جامعیت مراجع داخلی ۹۵
 مبحث پنجم - مراجع داخلی مربوط به اطلاع بیش از حد روند رسیدگی ۹۸
 مبحث ششم - توسل به مراجع داخلی در نظام‌های دفاکتو/ شرایط اشغال ۹۹
 مبحث هفتم - اوضاع و احوال خاص ۹۹

- گفتار پنجم - محدودیت زمانی شش ماهه ۱۰۰
- مبحث یکم - اصول کلی ۱۰۰
- مبحث دوم - راهکارهای تردیدآمیز ۱۰۳
- مبحث سوم - استمرار نقض کنوانسیون ۱۰۴
- گفتار ششم - دادخواستهای بی‌نام ۱۰۵
- گفتار هفتم - دادخواستهایی که از لحاظ ماهوی مشابه مواردی هستند که سابقاً در دیوان مطرح بوده است ۱۰۵
- گفتار هشتم - دادخواستهایی که سابقاً به سایر مراجع بین‌المللی ارائه شده‌اند ۱۰۶
- گفتار نهم - عدم مطابقت با مقررات کنوانسیون ۱۰۷
- مبحث یکم - قلمرو صلاحیت دولت (Ratione Loci) ۱۰۷
- مبحث دوم - موضوعات خارج از شمول کنوانسیون (Ratione Materiae) ۱۰۸
- مبحث سوم - محدودیتهای زمانی (Ratione Temporis) ۱۰۹
- مبحث چهارم - شخصیت خواهان و شخصیت خوانده (Ratione Personae) ۱۰۹
- گفتار دهم - دادخواستهای بی‌اساس ۱۱۰
- گفتار یازدهم - سوءاستفاده از حق دادخواهی ۱۱۱
- گفتار دوازدهم - نظارت بر اجرای احکام: نقش کمیته وزیران ۱۱۱
- فصل پنجم - رویه دیوان اروپایی حقوق بشر: حکم و اجرای حکم** ۱۱۹
- گفتار یکم - ابلاغ حکم ۱۱۹
- گفتار دوم - ارجاع به شعبه عالی ۱۲۱
- گفتار سوم - تفسیر رأی ۱۲۳
- گفتار چهارم - اعاده دادرسی (بازنگری در حکم) ۱۲۴
- گفتار پنجم - اجرای احکام ۱۲۵
- مبحث یکم - جبران خسارت ۱۲۵
- مبحث دوم - اعاده مال در پرونده‌های مربوط به دارایی‌ها ۱۲۸
- مبحث سوم - رهایی فردی که غیرقانونی بازداشت شده است ۱۲۸
- مبحث چهارم - تحقیقات کیفری ۱۲۹
- مبحث پنجم - تجدیدنظر در رسیدگی‌های کیفری ۱۳۰
- بخش دوم - نظام آمریکایی حمایت از حقوق بشر** ۱۳۳
- فصل یکم - کمیسیون آمریکایی حقوق بشر: بررسی ساختار و نحوه رسیدگی به شکایات** ۱۳۵
- گفتار یکم - مقدمه ۱۳۵

۱۴۱	مبحث یکم - ساختار کمیسیون
۱۴۶	مبحث دوم - نقش کلی کمیسیون
۱۴۹	گفتار دوم - شکایات فردی
۱۴۹	مبحث یکم - صلاحیت کمیسیون
۱۵۱	مبحث دوم - مهلت اقامه دعوا
۱۵۲	مبحث سوم - تقدیم شکایات
۱۵۳	گفتار سوم - تصمیمات مربوط به قابل پذیرش بودن شکایات
۱۵۴	مبحث یکم - شکایاتی که در ظاهر امر قابل قبول تلقی می‌شوند
۱۵۶	مبحث دوم - رأی نهایی مبنی بر قابل پذیرش بودن شکایات
۱۵۷	مبحث سوم - تصدیق دیوان نسبت به رویه قابلیت پذیرش دعاوی توسط کمیسیون
۱۵۹	مبحث چهارم - اختیار دیوان نسبت به رد رأی کمیسیون در خصوص قابلیت پذیرش
۱۵۹	مبحث پنجم - شروط قابلیت پذیرش و دلایل عدم قابلیت پذیرش
۱۶۱	گفتار چهارم - طی کلیه مراحل داخلی جبران خسارت
۱۷۱	گفتار پنجم - قاعده شش ماه
۱۷۳	گفتار ششم - پرونده‌هایی که نزد سایر نهادهای بین‌المللی در حال رسیدگی می‌باشند
۱۷۶	گفتار هفتم - بررسی شکایاتی که در ابتدا قابل پذیرش اعلام شده‌اند
۱۷۹	گفتار هشتم - مختومه ساختن پرونده بر اساس تصمیم اداری
۱۸۰	گفتار نهم - حل و فصل دوستانه اختلافات
۱۸۳	گفتار دهم - تصمیم‌گیری نهایی در خصوص ماهیت اختلاف
۱۸۵	گفتار یازدهم - اقدامات تأمینی
۱۸۷	گفتار دوازدهم - درخواست تجدید نظر
۱۸۹	گفتار سیزدهم - شکایات دولتی
۱۹۱	فصل دوم - عملکرد دیوان آمریکایی حقوق بشر: ساختار، صلاحیت و آئین دادرسی
۱۹۱	گفتار یکم - تشکیل، استقلال و ترکیب
۱۹۴	گفتار دوم - صلاحیت دیوان
۱۹۴	مبحث یکم - صلاحیت ترافیعی
۲۰۳	مبحث دوم - صلاحیت مشورتی
۲۰۷	گفتار سوم - اقدامات تأمینی به منظور حمایت از افراد
۲۰۹	گفتار چهارم - آئین دادرسی
۲۱۵	بخش سوم - نظام آفریقایی حمایت از حقوق بشر

۲۱۷	فصل یکم - کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و خلقها
۲۱۷	گفتار یکم - انتخاب و شرایط اعضای کمیسیون
۲۲۰	گفتار دوم - وظایف و کارکردهای کمیسیون
۲۲۷	مبحث یکم - اقدامات حمایتی
۲۴۰	مبحث دوم - دبیرخانه کمیسیون
۲۴۳	فصل دوم - دیوان آفریقایی حقوق بشر و خلقها
۲۴۳	مقدمه
۲۴۴	گفتار یکم - سابقه تاریخی
۲۴۴	مبحث یکم - فقدان دیوان
۲۴۷	مبحث دوم - نقش کمیسیون آفریقایی
۲۴۸	گفتار دوم - تأسیس دیوان
۲۵۰	گفتار سوم - صلاحیت ترافی
۲۵۰	مبحث یکم - محدوده ماهوی صلاحیت دیوان
۲۵۲	مبحث دوم - قلمرو صلاحیت شخصی
۲۵۵	گفتار چهارم - نقش تکمیلی دیوان و کمیسیون
۲۵۷	گفتار پنجم - صلاحیت مشورتی
۲۵۹	گفتار ششم - ترکیب، آئین و آراء
۲۶۱	نتیجه‌گیری
۲۶۳	ضمائم
۲۶۵	۱- کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (۱۹۵۰، رم)
	۲- پروتکل شماره ۱۴ الحاقی به کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (۲۰۰۴، استراسبورگ)
۲۸۳	۳- کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹، سان خوزه)
۲۹۳	۴- منشور آفریقایی حقوق بشر و خلقها (۱۹۸۱)
۳۱۹	۵- اساسنامه دیوان آفریقایی حقوق بشر (۱۹۹۸)
۳۳۶	
۳۴۵	نمایه

مقدمه

هر نظام حقوقی نظامی اجتماعی است و بر این اساس از رشد و تکامل یافتگی جامعه‌ای تأثیر می‌پذیرد که روابط اجتماعی آن را تنظیم می‌نماید، هرچند که در رشد و تکامل آن جامعه نیز مؤثر است. تعامل میان حقوق و جامعه به عنوان امری بدیهی، به تجربه نیز به اثبات رسیده و با مقایسه کشورها و نظامهای حقوقی حاکم بر آنها به خوبی قابل کشف می‌باشد.¹ در واقع در هر جامعه‌ای که پیوندهای مادی و معنوی میان اعضاء از عمق و استحکام کافی برخوردار باشد نظام حقوقی حاکم بر آن نیز پایه‌هایی استوار دارد و رابطه‌ای موزون و متناسب میان قالب و محتوای قواعد حقوقی آن نظام وجود دارد.

پیوندهای مادی و معنوی موجود در هر جامعه ملی به نسبت به درجه‌ای از استحکام رسیده که آن جامعه را براننده نام کشور، و برخوردار از دولت و نظام حقوقی معین ساخته است. در این نظامها، حقوق ماهوی اصولاً به مکانیسم‌های تضمینی مؤثری اتکاء دارد که عموماً وصف قضائی دارند.

در جامعه بین‌المللی نیز علایق و پیوندهای مادی تا حد زیادی کشورها را به هم متکی ساخته است. به‌ویژه بعد از انقلاب صنعتی، وابستگی متقابل مادی (Interdependence) میان کشورها فوق‌العاده تشدید گشته است. با وجود این، دولت‌ها به عنوان اشخاص حقوقی برخوردار از حاکمیت و عضو اصلی جامعه بین‌المللی، نه خود

¹ تأکید بر این تأثیر متقابل به منزله تردید در مبنای ذاتی برخی از قواعد حقوقی نیست. ترسیم رابطه متقابل میان حقوق و جامعه در مقام تبیین قالبهای تجلی و ابزارهای تضمین قواعد حقوق موضوعه است و به هیچ وجه درصدد ایجاد چالش در مبانی قواعد حقوقی نمی‌باشد.

ماهیتاً می‌توانند از پیوندهای معنوی بین‌الدولی با یکدیگر برخوردار باشند و نه مایل بوده‌اند که رشته‌های الفت و همبستگی بین‌المللی (میان ملتها) آنچنان استحکام یابد که حاکمیت آنها را به صورت اساسی در معرض تحدید قرار دهد و ساختار جامعه بین‌المللی که هنوز تا حد زیادی حاکمیت محور، افقی، غیرمتمرکز و نهادین‌ناشده می‌باشد را در هم بریزد.^۲ از اینرو به رغم پیشرفتهای حاصله در شصت سال اخیر که به یمن سازمانهای بین‌المللی بویژه در حوزه حقوق بشر پدید آمده است هنوز پیوندهای معنوی موجود در جامعه جهانی از آن چنان عمق و گستره‌ای برخوردار نشده که از میان آن کثرت ناموزون، وحدتی منظوم را به ارمغان آورد. بنابراین واژه جامعه جهانی یا جامعه بین‌المللی (International Community) استعاره‌ای بیش در مورد اجتماع بین‌المللی (International Society) نیست.

حال جایگاه حقوق بشر و تضمین آن در چنین جامعه‌ای چگونه خواهد بود؟ واقعیت آن است که در چند دهه اخیر نظام بین‌المللی حقوق بشر در بُعد معیارسازی و قاعده‌پروری توسعه‌ای شگرف را به تصویر کشیده است. این روند که با تأسیس سازمان ملل متحد (۱۹۴۶)^۳ و صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ آغاز گردید به تدریج آنچنان شتاب گرفت که در آغاز قرن بیست و یکم در قلمرو حقوق بشر و آزادی‌های اساسی منظومه‌ای حقوقی به وسعت جامعه جهانی پدیدار گشته است. در حقیقت اعلامیه جهانی حقوق بشر سنگ بنا و الهام‌بخش اسناد بین‌المللی مختلفی شده که موضوع و هدف اصلی آنها حراست از منزلت انسانی افراد

^۲ البته این نکته بدان معنا نیست که جامعه بین‌المللی کاملاً حاکمیت محور، غیرمتمرکز و نهادین‌ناشده باشد. جامعه بین‌المللی امروز که مفاهیمی چون قواعد آمره بین‌المللی، تعهدات عام‌الشمول و جنایات بین‌المللی، و نهادهایی چون سازمان ملل متحد، دیوان کیفری بین‌المللی، سازمان جهانی تجارت و تشکلهای بین‌المللی غیردولتی را در خود جای داده است بسیار تکامل یافته‌تر از آن جامعه بین‌المللی است که قبل از دهه ۱۹۵۰ وجود داشت.

^۳ برای اولین بار در منشور سازمان ملل متحد میان احترام به حقوق بشر و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی پیوندی اساسی و هدفمند برقرار شد. برای مطالعه بیشتر رک: امیرساعد وکیل، حقوق بشر، صلح و امنیت بین‌المللی، انتشارات مجد، ۱۳۸۳.

بشر و فراهم ساختن امکانات رشد و بالندگی مادی و معنوی آنها می‌باشد.^۴ بعضی از آن اسناد مثل میثاقهای بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، و حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) گستره‌ای وسیع از حقوق و آزادی‌ها را پوشش داده‌اند و برخی دیگر مثل کنوانسیونهای منع نسل‌کشی (۱۹۴۸)، منع تبعیض نژادی (۱۹۶۳) و منع شکنجه (۱۹۸۴) به مقابله با تعرضات جدی به حقوق اساسی بشر پرداختند و شماری دیگر نیز حمایت از حقوق افراد و گروههای خاص و آسیب‌پذیر را مورد توجه قرار داده‌اند (مثل کنوانسیون ۱۹۷۹ در مورد رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و کنوانسیون ۱۹۸۹ حقوق کودک).

قواعد مندرج در این اسناد که در قالب بسیاری از قطعنامه‌ها و اعلامیه‌های بین‌المللی و قوانین داخلی نیز بیان شده‌اند عموماً به قواعد حقوق بین‌الملل عرفی مبدل شده‌اند.

رشد ماهوی نظام بین‌المللی حقوق بشر که از آن به تورم نورماتیو یاد می‌شود و تقسیم‌بندی آکادمیک حقوق بشر به نسلهای مختلف را نیز توجیه کرده است،^۵ با توجه به ساختار جامعه بین‌المللی و تلقی حقوق بشر به عنوان معیار ارزیابی مشروعیت دولت قابل تأمل می‌باشد. چنین پیشرفتی هر چند لازم و ضروری قلمداد می‌شود و نباید

^۴ علت آن است که این اعلامیه اولاً و امدار هیچ آموزه خاص، اعم از سیاسی، دینی یا فلسفی نبوده، بیان‌کننده اعتقاد مشترک جهانیان به سرنوشت انسان و منادی آرمانی متعالی یعنی شأن و منزلت و آزادی جاودانه اوست؛ و ثانیاً به انسانی توجه دارد که فارغ از هر قید و بند مکانی و زمانی، شایسته حمایت است؛ و ثالثاً به دلالت محتوایش، برای نخستین بار از الگویی واحد سخن به میان آورده که در برگیرنده تمامی حقوق انسان اعم از طبیعی، مدنی، اجتماعی یا فرهنگی است که طبعاً می‌بایست در هر جامعه آزادمنشی به صورتی انفکاک‌ناپذیر تأمین و تضمین گردد. هدایت‌الله فلسفی، توالی معاهدات بین‌المللی مربوط به حقوق بشر: همبودی و تعارض تعهدات دولتها، سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی، شماره اول، ۱۳۸۴، ص. ۱۴.

^۵ برای مطالعه بیشتر در مورد نسل‌های مختلف حقوق بشر رک: پوریا عسکری و امیرساعد وکیل، نسل سوم حقوق بشر، حقوق همبستگی، انتشارات مجد، ۱۳۸۳.

کم‌اهمیت جلوه داده شود اما به تنهایی و به خودی خود جامعه‌ای عاری از ظلم و بی‌عدالتی به ارمغان نمی‌آورد. جامعه بین‌المللی فراتر از صرف استانداردسازی و قاعده‌پروری، سخت‌نیازمند تضمین اجرا و رعایت استانداردهای حقوق بشر می‌باشد. نهادهای جهانی حمایت از حقوق بشر^۶ عمدتاً حول محور سازمان ملل متحد شکل گرفته و تکامل یافته‌اند، بدان نحو که برخی از آنها مبتنی بر منشور سازمان ملل متحد و در زمره ارگانهای فرعی ملل متحد به شمار می‌روند و شماری دیگر اگر چه به لحاظ منشأ پیدایش بر دیگر معاهدات بین‌المللی مبتنی بوده‌اند اما به نحوی به سازمان ملل متحد وابسته شده‌اند.

کمیسیون حقوق بشر (اخیراً شورای حقوق بشر)^۷، کمیسیون مقام زن، کمیته حقوق بشر، کمیته حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی، کمیته رفع تبعیض نژادی، کمیته رفع تبعیض علیه زنان، کمیته منع شکنجه، کمیته حقوق کودک و... هر یک در حوزه تحت

^۶ جهانی قلمداد شدن شماری از نهادهای حمایتی حقوق بشر نباید باعث ایجاد این تصور شود که تمام دولتها و هر مسأله راجع به حقوق بشر در قالب آن نهادها قابل نظارت هستند. صلاحیت شخصی و موضوعی نهادهای ذی‌ربط به واسطه حاکمیت ملی دولتها محدود شده است. وصف جهانی در تقابل با صفت منطقه‌ای فقط به آن معناست که سند تأسیس نهاد ذی‌ربط یا معاهده‌ای بین‌المللی است که عضویت در آن برای تمام دولتها آزاد است و یا به علت تأسیس آن نهاد بر طبق قطعنامه مصوب سازمان ملل متحد، نهاد مزبور می‌تواند نسبت به تمام اعضای سازمان ملل متحد به اعمال صلاحیت پردازد.

^۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۵ مارس ۲۰۰۶ با تصویب قطعنامه ۶۰/۲۵۱ تشکیل شورای حقوق بشر را تأیید، و آن را جایگزین کمیسیون حقوق بشر نمود. کمیسیون حقوق بشر آخرین اجلاس خود را در ۲۷ مارس ۲۰۰۶ تشکیل داد و کلیه گزارش‌های خود را برای ادامه بررسی در اولین اجلاس شورای حقوق بشر در ژوئن ۲۰۰۶ به آن شورا ارجاع نمود. بر اساس بند ۶ قطعنامه ۶۰/۲۵۱، شورای حقوق بشر تمام مأموریتها، وظایف و مسؤولیتهای کمیسیون حقوق بشر را پذیرا می‌شود. برای مطالعه بیشتر رک: دکتر سیدقاسم زمانی، نظارت جهانی بر اجرای حقوق بشر: از کمیسیون تا شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، مجله

صلاحیت خویش بر اسناد بین‌المللی حقوق بشر نظارت می‌کنند. شیوه‌هایی که این نهادهای جهانی جهت نظارت بر حقوق بشر مورد استفاده قرار داده‌اند از منعطف‌ترین آنها یعنی روش ارائه گزارش، تا مؤثرترین آنها یعنی سیستم طرح شکایات فردی قابل تقسیم‌بندی هستند.

شیوه معمول نظارتی در این نهادها ارائه گزارش ادواری توسط دولتهای عضو اسناد بین‌المللی ذی‌ربط می‌باشد. در این گزارشها دولتها باید بیان دارند که برای ایفای تعهدات خود در حوزه حقوق بشر به چه اقداماتی مبادرت ورزیده، حاصل آن اقدامات چه بوده، به چه پیشرفتهایی نائل شده و با چه موانعی دست به گریبان‌اند. البته نهادهای بین‌المللی حقوق بشر از تعیین گزارشگران ویژه برای کشوری خاص یا موضوعی معین نیز بهره‌جسته‌اند تا بهتر و دقیق‌تر به واقعیت‌های موجود پی ببرند. اینها ابزارهایی مهم برای انعکاس واقعیتها به افکار عمومی بین‌المللی است، عاملی که در حوزه حقوق بشر دولتها سخت از آن واگرمه دارند.

در برخی اسناد بین‌المللی مثل میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) (ماده ۴۱) شیوه طرح شکایت توسط دولتها علیه یکدیگر به اتهام نقض حقوق بشر پیش‌بینی شده است.^۸ بدیهی است که دولتها به عنوان متهمان اصلی نقض حقوق بشر کمتر مبادرت به اقدامی می‌نمایند که ممکن است چند صباحی بعد خود قربانی آن باشند.

اما مهمترین و مؤثرترین شیوه جهانی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی آئین طرح شکایت فردی است، آئینی که به قربانی اصلی نقض حقوق بشر، حق طرح شکایت در مرجعی بین‌المللی را اعطا می‌کند. آئین طرح شکایت فردی از جمله در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، کنوانسیون منع شکنجه (۱۹۸۴) و برخی دیگر از اسناد بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته و در حال گسترش می‌باشد. این

^۸ صلاحیت کمیته حقوق بشر برای دریافت و رسیدگی به شکایات دولتهای عضو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۴۱ منوط به آن شده است که دولتهای مزبور با صدور اعلامیه صلاحیت کمیته حقوق بشر در این مورد را پذیرفته باشند. تاکنون بیش از ۵۰ دولت عضو میثاق چنین اعلامیه‌ای را صادر کرده‌اند.

آئین از یک سو اختیاری است و به اعلام رضایت دولت ذی‌ربط منوط گشته، و از سوی دیگر روش رسیدگی شبه‌قضائی است هرچند که نظریه نهایی لازم‌الاتباع نیست. البته به رغم این نقطه ضعفهای غیرقابل انکار، تأثیرگذاری و کارایی این سیستم قابل توجه بوده است.

از سوی دیگر لازم‌الاجرا شدن اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در اول ژوئیه ۲۰۰۲ نیز امید به تضمین جهانی حقوق بشر را تقویت کرده است. دیوان صلاحیت دارد که از جمله به جرایم نسل‌کشی و جرایم علیه بشریت که در قلمرو یا توسط اتباع دولتهای عضو اساسنامه ارتکاب یافته رسیدگی نماید.^۹

توجه به واقعیت‌های فوق‌الذکر و تأمل در پیشنهاد ایجاد دیوان بین‌المللی حقوق بشر که چند صباحی است در محافل جهانی مطرح شده، همگی از نارسائی‌هایی حکایت دارند که در ساز و کارهای جهانی موجود در حوزه حمایت از حقوق بشر نهفته است. با وجود این در برخی مناطق عالم وضعیت تا حدی متفاوت بوده است. وجود علایق و پیوندهای معنوی مشترک میان ملتهای برخی مناطق جغرافیایی عامل وحدت‌زای بسیار قوی‌ای بوده که توانسته است نوعی همبستگی فراملی را در آن مناطق به نمایش بگذارد.

با امضای اساسنامه شورای اروپا در ۵ مه ۱۹۴۹ در لندن، نهادی بین‌المللی پدید آمد که هدف آن توجه و بررسی مسائل مشترک، همکاری و عقد موافقتنامه‌های بین‌المللی در امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، حقوقی، اداری و تحقق و اعتلای حقوق بشر و آزادی‌های اساسی قلمداد شد (بند «ب» ماده ۱ اساسنامه شورای اروپا). شورای اروپا از همان روزهای اولیه فعالیت خویش با بررسی و تنظیم کنوانسیونهای رم در مورد حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (۱۹۵۰) و جامعه اروپایی زغال سنگ و فولاد (۱۹۵۱) بنیانی مستحکم در حوزه حقوق بشر و امور اقتصادی جهت حرکت به

^۹ برای مطالعه بیشتر رک: سیدقاسم زمانی، استقرار دیوان کیفری بین‌المللی: بیم‌ها و امیدها، مجله

سوی یکپارچگی فراهم آورد. شورا که ابتدا متشکل از ۱۰ کشور بود و اینک ۴۷ کشور به عضویت آن درآمده‌اند تاکنون موفق شده بیش از ۲۰۰ کنوانسیون را در زمینه‌های مختلف تنظیم و اغلب آنها را به امضا و تصویب دولتهای عضو برساند. با وجود قلمرو وسیع فعالیت، شورای اروپا عموماً نهادی شبه‌تقنینی و نظارتی در حوزه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی قلمداد شده است.^{۱۰}

کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی که در سوم سپتامبر ۱۹۵۳ لازم‌الاجراء گردید در سال ۱۹۵۴ به نهادی نظارتی به نام کمیسیون اروپایی حقوق بشر تجهیز شد و بدین وسیله برای اولین بار حق قربانی نقض حقوق بشر به دادخواهی فردی نزد مرجعی بین‌المللی به رسمیت شناخته شد. با ایجاد دیوان اروپایی حقوق بشر در سال ۱۹۵۹، و متعاقباً ایجاد حق مراجعه مستقیم افراد به دیوان در سال ۱۹۹۸ توان نظارتی دیوان و دستاوردهای آن افزایش یافت.

پیشرفتهای سازمانی و توسعه ماهوی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در اروپا از رهگذر انضمام پروتکل‌های مختلف (۱۴ پروتکل) به کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی صورت پذیرفته است.

علاوه بر اروپا، نظام حقوق بشر در قاره آمریکا و آفریقا - اگر نه به اندازه اروپا، ولی - به میزان قابل توجهی پیشرفت داشته است. در قاره آمریکا با امضای منشور بوگوتا و ایجاد سازمان کشورهای آمریکایی در سال ۱۹۴۸، اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف انسان در شرح و تفسیر مقررات حقوق بشری منشور بوگوتا به تصویب رسید (۱۹۴۸). ایجاد کمیسیون آمریکایی حقوق بشر در سال ۱۹۵۹ جهت افزایش آگاهی‌های عمومی و اعتلای حقوق بشر، اعطای حق رسیدگی به شکایتهای فردی به کمیسیون در سال ۱۹۶۵، و تبدیل کمیسیون به یکی از ارکان اصلی سازمان کشورهای آمریکایی در سال

¹⁰ شاید علت اصلی این رویکرد عمومی از یک سوی به این واقعیت بازگردد که شرط عضویت در شورای اروپا تصویب کنوانسیون ۱۹۵۰ رم راجع به حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی است و از سوی دیگر علت آن نقش نظارتی شورا نسبت به احکام دیوان اروپایی حقوق بشر باشد.

۱۹۶۷ در مجموع نشانگر پیشرفت‌های قابل توجه و نویدبخش موفقیت‌هایی بیشتر در آینده بود.

امضای کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر در سال ۱۹۶۹ در «سان‌خوزه»، و تشکیل دیوان آمریکایی حقوق بشر در سال ۱۹۸۰ چشم‌انداز مثبت‌تری را از توسعه نظام آمریکایی حقوق بشر ترسیم نمود آن چنان که از دهه ۱۹۸۰ به بعد پروتکل‌های مختلفی در زمینه حقوق اقتصادی (۱۹۸۲)، منع شکنجه (۱۹۸۵)، الغای مجازات اعدام (۱۹۹۰)، ناپدیدشدن اجباری (۱۹۹۴) و... به تدریج به بسط و توسعه صلاحیت دیوان در رسیدگی به تخلفات دولتها در حوزه حقوق بشر منتهی گردید.

در سطح قاره آفریقا نیز که سازمان وحدت آفریقا^{۱۱} در سال ۱۹۸۱ موفق به تنظیم کنوانسیون آفریقایی حقوق بشر و خلقها شد نهادی نظارتی به نام کمیسیون آفریقایی حقوق بشر ایجاد گردید. به واقع به لحاظ اختلاف‌نظرهای سیاسی و مشکلات اجرایی، در مورد ایجاد دیوان آفریقایی حقوق بشر توافق حاصل نشد. با این حال در سی و چهارمین اجلاس مجمع عمومی سازمان وحدت آفریقا در ژوئن ۱۹۹۸ پروتکل تأسیس دیوان آفریقایی حقوق بشر به امضا رسید و در ۲۵ ژانویه ۲۰۰۴ لازم‌الاجراء گردید. دیوان آفریقایی حقوق بشر که اندک زمانی از تأسیس آن می‌گذرد از صلاحیت شخصی و موضوعی (ذاتی) بسیار گسترده‌تری در مقایسه با هم‌تایان اروپایی و آمریکایی خود برخوردار است. مضافاً بر اینکه مثل دیوان اروپایی حقوق بشر، نهادی بین‌المللی (اتحادیه آفریقا) می‌تواند علیه کشورهای که از اجرای احکام دیوان امتناع ورزند به وضع و اعمال مجازات‌های اقتصادی و سیاسی مبادرت نماید.

شایان ذکر است که رشد و توسعه منطقه‌گرایی در حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، منافاتی با وحدت و جهانشمولی حقوق بشر ندارد. حقوق بشر، حقوق «بشر» است فارغ از نژاد، رنگ پوست و محل زندگی افراد. بر این اساس تفاوت میان قواعد منطقه‌ای و جهانی حقوق بشر بیشتر صوری است تا واقعی. دغدغه‌های

^{۱۱} سازمان وحدت آفریقا از ۲۶ مارس ۲۰۰۱ به اتحادیه آفریقا مبدل شد.

منطقه‌ای و وجود زمینه‌ها و بسترهای مختلف باعث شده است که در سطح منطقه‌ای برخی از مصادیق حقوق بشر زودتر یا بیشتر مورد توجه و تأکید قرار بگیرد.

به هر حال با بررسی نظامهای منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر، تأمل در مبانی رشد و توسعه آن، و تعمق در دستاوردهای آن نظامها، می‌توان از یک سوی به گسترش منطقه‌گرایی در حوزه حمایت از حقوق بشر و تعمیم آن به دیگر مناطق جغرافیایی و بویژه قاره آسیا امیدوار شد و از سوی دیگر به اعتلای کارآمدی و تقویت نهادهای جهانی حمایت از حقوق بشر همت گمارد.

ایجاد و گسترش دوره‌های تحصیلات تکمیلی حقوق بشر در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور مطالعه موضوعاتی اینچنینی را بیش از پیش مهم و ضروری جلوه می‌دهد. عدم دسترسی به کتابی به زبان انگلیسی که نهادهای منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر را به تفصیل و یکجا مورد بررسی و مطالعه قرار داده باشد^{۱۲} و

¹² در این زمینه در مورد نظام اروپایی حقوق بشر مقالاتی به زبان فارسی تألیف یا ترجمه شده و کتابی نیز اسناد منطقه‌ای حقوق بشر را گردآوری کرده است که مشخصات آنها به شرح ذیل می‌باشد:

اردشیر امیرارجمند، محسن میرمحمدصادقی، مرتضی زهرایی، سیدقاسم زمانی، صابر نیاورانی و محمد کاکاوند، **مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، جلد دوم، قسمت اول، اسناد منطقه‌ای**، انتشارات جنگل، ۱۳۸۵

سیدعلی سادات اخوی، پروتکل شماره ۱۴ و اصلاح نظام نظارتی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران**، شماره ۷۰، ۱۳۸۴
یورگ پولاکیه‌ویکس، سازوکار اجرای احکام دیوان اروپایی حقوق بشر، ترجمه مازیار پیهانی، **مجله پژوهشهای حقوقی**، شماره ۸، ۱۳۸۴

سیداحمد طباطبایی، دادگاه اروپایی حقوق بشر: ساختار و صلاحیت‌های جدید، **مجله اندیشه‌های حقوقی**، شماره ۵، ۱۳۸۲

سیدمحمد قاری سیدفاطمی، دادگاه جدید اروپایی حقوق بشر، **مجله حقوقی**، شماره ۲۵، ۱۳۷۹

حسینقلی حسینی‌نژاد، نگاهی به دادگاه اروپایی حقوق بشر، **مجله حقوقی**، شماره ۲۲، ۱۳۷۷

کمبود فرصت و تجربه کافی برای تألیف اثری مناسب در این زمینه، ما را بر آن داشت که با بررسی کتب و مقالات مختلف به تدوین و ترجمه مطالبی پردازیم که تا حدی معرف سه نهاد منطقه‌ای اروپایی، آمریکایی و آفریقایی در حوزه حمایت از حقوق بشر باشد. مسلماً حوزه‌ای به این گستردگی و پیچیدگی، نیازمند مطالعاتی گسترده‌تر و عمیق‌تر می‌باشد. امید آن داریم که از رهنمودهای خوانندگان کتاب جهت تقویت آن در چاپهای بعد برخوردار شویم.

کتاب حاضر را به دانشجویان، اساتید و پژوهشگران حقوق بشر در ایران تقدیم می‌داریم.

سیدقاسم زمانی

امیرساعد وکیل - پوریا عسکری

Regional Institutions and Mechanisms for PROTECTION OF HUMAN RIGHTS

Edited & Translated by:

S. Ghasem Zamani (Ph.D.)

Associate Professor of International Law
Allameh Tabataba'i University

Amir Saed Vakil (Ph.D.)

Assistant Professor of International Law

Pouria Askari (Ph.D.)

Assistant Professor of International Law
Allameh Tabataba'i University



S.D.I.L.
The SD Institute of Law
Research & Study

Tehran - 2016